

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

حبیب اندیوال

۱۲ جون ۲۰۱۸

بزرگداشت شایسته از مجید، یعنی ادامه راه انقلابی او!

هژدهم جوزای ۱۳۹۷ش روز جاودانه شدن فرزند نامدار خلق افغانستان زنده یاد مجید به دست دژخیمان "خلق و پرچم" و ارباب جنایتکار روسی آن جلادان است. در این روز همه جا سخن از مجید است. بدین مناسبت، این جانب نیز گفتنی هائی در باره جوانب زندگی و مبارزه این جاودان یاد دارم که از روی وظیفه پیشکش خوانندگان، رفقای سامائی مجید و دوستداران آن زنده یاد می کنم.

در این مختصر در مورد ابعاد زندگی سراسر رنجبار، ولی حماسی این فرزند خلق صحبت نمی کنم، زیرا در این باره به کرات گفته شده و اسناد آن هم موجود است. این نوبت صرف روی چند مطلب اساسی و جاندار در مورد مبارزه مجید و ادامه این مبارزه در شرایط موجوده کشور و معیار های عملی رفاقت و وفاداری به زنده یاد مجید و اندیشه و آرمان مبارزاتی وی تأکید می کنم.

مجید فرزند رنج بود. مجید از کودکی تا نوجوانی و جوانی طعم تلخ از دست دادن بزرگان خانواده، تبعید، تبعیض، آوارگی، زندان و شکنجه را چشید. همین کوره گذاخته زندگی بود که شخصیت اجتماعی و سیاسی مجید را پروریده و از وی انسانی استثنائی والا و مقاوم بار آورد. مجید جوان در چنین محیطی ناسازگار، راه کسب علم و دانش را برگزیده و برای نجات محرومان تحت ستم کشورش درفش مبارزه را برافراشت. جوانان روشنفکر و آزادیخواه دور او حلقه زدند و به نام جوانان مترقی اولین دستاورد مبارزاتی آن ها، شبنامه ای بود که در تمام مکاتب کابل پخش شد. این اولین نویدی بود برای توده های تحت ستم و استبداد حکومت مطلقه شاهی و هوشداری بود به حکام مستبد وقت.

عکس العمل ارتجاع وقت، دو بار تعقیب، به زندان افکندن و شکنجه مجید جوان بود. در هر دو بار؛ زندان، بازپرسی و شکنجه به همراه سائر اتهامات و توطئه های وارده دولت ارتجاعی بر این فرزند مقاوم خلق اثری نبخشیده و نتوانست نام مجید را که دیگر سر زبان ها افتاده بود، خدشه دار سازد و هر دو بار بی گناهی او ثابت و از زندان رهائی یافت.

با وجود رهائی از زندان، مجید را خطر های جدی در شهر کابل تهدید می کرد. وی پس از مشوره با دوستانش، راهی زادگاهش کوهدامن شده و مدتی در آن دیار ماندگار شد. با آمدن مجید به کوهدامن، جوانان آزادیخواه، منورین، روشنفکران، عیاران و تمامی مردم کوهدامن از وی به گرمی استقبال کردند.

از این جا به بعد، من چشمدید خودم را از مجید و کار و بار مبارزاتی او و یارانش خدمت تان تقدیم می دارم:

در آن ایام اقامت رفیق مجید در کوهدامن، من متعلم صنف نهم لیسه میریچه خان بودم که خوشبختانه با دوستان خوبی همچون شاه محمد(پردل)، خیر محمد، الله محمد، سخی محمد، کبیر بالوی، نورعالم صوفی زاده، ملا محمد(سخی) همصنفی بودم. اولین بار در منزل خیر محمد افتخار آشنائی با مجید و اقبال شنیدن صحبت هایش به من روی آورد. این اولین دیدار با مجید، مسیر زندگی آینده ام را رقم زده و در حاشیه کار او قرار گرفتم و تا امروز یکی از هواداران سرسخت مجید، سازمان مجید و همزمان مجید باقی مانده ام و به آن سخت افتخار هم می کنم.

این دلیرمرد قریه به قریه و شهر به شهر راهپیمائی کرده و مشکلات مردم نیازمند را از زبان خود آنان شنیده، به آنان مشوره های سودمند داده و وعده می سپرد که تا آخرین قطره خونش در کنار آن ها در خوشی و غم شان شریک باشد. رفیق مجید علاوه از جاذبه شخصی در وجودش، در برخورد و در کلامش، انسانی بود صمیمی با گفتار و رفتاری نیکو و با مردمش صادق و صمیمی بود. با این جاذبه شخصی و حسن رفتارش، از روشنفکر تا ملا و افراد عامی گرویده او بودند و روز تا روز به تعداد دوستدارانش افزوده می شد. رفیق مجید از پشتیبانی توده های دهقانی - کارگری، جوانان روشنفکر و حتی برخی متنفذین محلی و زن و مرد منطقه برخوردار بود. با این تکیه گاه و تأیید توده ئی، آرزوی مجید و همزمان حلقه زده به دور او، خدمت به توده های خلق و اعتلای وطن بود.

مجید به سان ماهیی بود که در دریای بیکران حمایت توده ئی شنا می کرد و به شکرانه این حمایت عظیم و بیدریغ توده ها از این فرزند عاصی خلق، دست جواسیس، قوای ضربه و ژاندارم و پولیس به او نمی رسید.

رفیق مجید برای رهائی کشور و توده های تحت ستم مردمش ضمن ادامه مبارزات جاری؛ راه ها، تئوری ها و تجارب مبارزاتی سائر خلق ها را با پشتکار و شور و شوق فراوانی مطالعه و سبک و سنگین کرد. او سرانجام از خلال این مطالعات پیگیر، از اواخر سال های نظام سلطنتی به این نتیجه رسید که رهائی کشور و توده های تحت ستم و استثمار آن از قیود رهنانه استعماری و سلطه طبقاتی ارتجاعی، صرف با انقلاب توده ئی میسر است و انقلاب هم کار توده های میلیونی خلق است. لذا با این دید تکاملی، مجید و یارانش بر آن شدند تا به آگاه ساختن توده ها، بسیج، سازماندهی و ایجاد تشکیلات مخفی بپردازند. حاصل این مبارزه و تلاش جمعی تا بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ مزدوران روس، ایجاد "ساما" بود.

در واقع ایجاد سازمان آزادیبخش مردم افغانستان(ساما) بزرگ ترین دستاورد مبارزاتی رفیق مجید است، دستاوردی که او یک عمر در راه تدارک و ایجاد آن کوشید. سازمانی که مجید و سائر پیشگامان انقلابی کشور ما بنیان گذاشتند، پس از ایجادش و در فردای تجاوز ارتش اشغالگر تزاران نوین به کشور ما با شعار "یا مرگ یا آزادی!" جنگ مسلحانه را به ضد اشغالگران اعلام داشته و خود پیشگام آن شد و طرح اتحاد جبهه ئی نیرو های اجتماعی و سیاسی ضد روس اشغالگر و ایادی میهن فروش و جلاد "خلقی - پرچی" آن را بیرون داده، عملاً پای ایجاد آن رفت و خود مجید اعلامیه آن را نوشت. سامای مجید با این پیشتازی و رزمندگی در جنگ آزادیبخش ملی علیه استعمار روس، به منبع امید توده ها و آبروی جنبش انقلابی کشور مبدل شد.

رفیق مجید و سامایش برای پیشبرد مبارزه رهائیبخش و انقلابی علیه استعمار و ارتجاع با "مشی مستقل ملی و انقلابی" به مفهوم ایستادن روی پای خود، تکیه به نیروی لایزال توده ها، انجام انقلاب در کشور خود ضمن همبستگی با مبارزات انقلابی و آزادیبخش در جهان، و با شعار "با سلاح روس به ضد روس!" مبارزه را آغاز کرده و ادامه دادند. در حالی که دار و دسته مزدور اخوانی با اتکاء به غیر و با پول و سلاح بیگانگان مغرض و متجاوز ساخته و تمویل و مسلح می شدند؛ این مجید و ساما بود که منبع تسلیحات و پول آنان را سلاح کوت های روسی و بانک های رژیم مزدور آن می ساخت. خلع سلاح قطعات نظامی و مخصوصاً مصادره سلاح لوای حسین کوت توسط رزمندگان

ساما به رهبری مرد با اوتوریتۀ ساما شاه محمد پردل که در جریان آن یکی از رزمندگان برجستۀ ساما در کوهدامن معلم ستار به بیماری رسید؛ نمونۀ بارز آن است. مصادرهٔ میلیون ها افغانی پول مزدوران " خلق و پرچم" در روز روشن در گلپهار در سرطان ۱۳۵۹ش، دیگر مورد آن است. یاد زنده یاد معلم ستار گرامی باد!

۳۹ سال است که سازمان مجید علی رغم تلفات سنگین و شکست و ریخت های فراوان و از کش ماندن، ارتداد و بی باور شدن تعدادی از همراهان، راه دراز پر از فراز و نشیب مبارزه علیه استعمار و ارتجاع رنگارنگ را در کارنامه اش دارد. همین اکنون به برکت استواری و ادامه کاری همزمان ادامه دهندهٔ راه مجید، اندیشه و آرمان او در وجود "ساما" زنده مانده و "ساما" هم با همان بنیاد ها و اصولی که مجید مطرح کرده بود، به عنوان یک ظرفیت انقلابی عمدتاً داخلی در عرصهٔ سیاسی فعال بوده و فعالیت آن در عرصه های مبارزات فکری، تشکیلاتی، نشراتی و سیاسی - تبلیغاتی علیه امپریالیسم و ارتجاع به اشکال و ذرایع مختلف جریان دارد. خلاصه، سامائی های راستین و استوار با بلند نگه داشتن درفش مبارزهٔ مجید و "ساما" برای آزادی ملی، دموکراسی مردمی، عدالت و ترقی اجتماعی در کنار سائر ظرفیت های انقلابی و مبارز کشور، بار دیگر و در آزمونی دیگر به آبروی ملت سرافراز ما مبدل شده اند. به پشتوانهٔ این استواری و اصولیت رفقای متین و آرمان گرای مجید، آرمان انقلابی جانبازان سامائی زنده و مشعل مبارزاتی شان درخشان است. "ساما" و سامائی همیشه زنده است. اعتبار این همه جانبازی ها و استواری در ادامهٔ نبرد انقلابی همزمان مجید در وجود "ساما"، به او برمی گردد.

حال بر تمام همزمان و راهیان راه مجید است که ضمن گرامیداشت از نام، شخصیت و مبارزات مجید، این بزرگ ترین میراث او - ساما - را در ادامهٔ مبارزات ناتمام مجید ارج گذاشته و در حفظ و تقویت آن بکوشند و این سلاح را برنده تر ساخته و علیه دشمنان ملی و تاریخی خلق ستمکش افغانستان اشغالی به کار بندند. این است وعده به مجید و یگانه شرط رفاقت با او.

شرط رفاقت و معیار وفاداری با مجید و سائر رهبران، کادر ها و رزمندگان جانباز سامائی، عبارت است از ایستادن در میدان، نترس بودن، ادامهٔ مبارزه در خط سرخی که مجید ها، رهبر ها، سرمد ها، جرأت ها، شریف ها، پردل ها، میرویس ها، پویا ها، ضیاء ها، طغیان ها و صد ها پیشمرگ دیگر سامائی با خون شان نشانی کرده اند؛ و سرانجام حلقه زدن به دور خط و سامای انقلابی مجید و در اهتزاز نگه داشتن علم ساما در پیکار ضد استعماری - ارتجاعی جاری.

هر گونه تاریخچه تراشیدن و نسبت دادن خود به مجید و ساما به دور از میدان مبارزه با مقصد غیرمبارزاتی و کاسبکارانه، ادامهٔ راه درخشان مجید و سائر جانبازان سامائی نیست و از شأن رفقای سامائی و دوستداران صمیمی،

صدیق، جدی، استوار و قاطع زنده یاد مجید دور باد!

- افتخار به جانبازی سربداران سامائی و ایستادگی راهیان مصمم راه مجید!

- زنده و جاوید باد همبستگی ملی خلق افغانستان!

- مرگ بر کلیه دشمنان خلق!

- یا مرگ یا آزادی!

۰۹ جون ۲۰۱۸